

« قدرت نرم »

صلاح الدین عباسی

mahabade2@yahoo.com

« قدرت نرم » به معنای توانایی‌های تهاجمی و تدافعی در مظاهر فرهنگی، ایدئولوژیکی، سیاسی و هنری و علمی است. تا این تاریخ ملتها و دولتها در ارتباط و تعاملات به قدرت سخت اولویت می دادند و به « قدرت نرم » یا اهمیت نمی دادند یا در اولویت دوم قرارش می دادند. بیشترین سهم بودجه مملکتی را به تقویت قدرت سخت اختصاص می دادند. و حجم مبادلات تجاری تسلیحات نظامی در سطح بین المللی به نسبت مبادلات فرهنگی بسیارتر از بسیار بود. اما اخیرا تعدادی از نظریه پردازان آمریکایی از جمله آقای « ژوزف نای » بر قدرت نرم ایالات متحده تاکید می کنند. و سیاستمداران عملگرا، خصوصا نئو لیبرالهای حاکم، این توصیه را شنیده و اهمیت قدرت نرم را پذیرفته اند. چرا که با توجه به توان نظامی بسیار بالا و قدرت سخت بی رقیب آمریکا، گرفتن و اشغال يك منطقه یا يك کشور به آسانی ممکن است اما نگهداری و تداوم اشغال آن بسیار مشکل و هزینه بردار است. اگر آنها بتوانند قدرت نرمی متعادل و هم سطح با قدرت سخت داشته باشند می توان تصور کرد حفظ مناطق اشغال شده مقدور خواهد بود. اما اکنون نه تنها دارنده برترین قدرت سخت جهان توانسته عراق را در اشغال خود نگهدارد بلکه نظامیاناش گرفتار ناراحتی روانی و افسردگی شدید شده اند و چندین نفر از زندانیان گوانتانامو تحت تاثیر اخلاق و تبلیغات زندانیانشان مسلمان شده اند. در واقع جنگ عراق این تجربه را به آنها آموخت که لازم است توازنی بین « قدرت سخت » و « قدرت نرم » ایجاد شود.

حال جنگ اصلی تمدن غرب در حوزه ای از تمدنهای جهانی جاری است که از چنان قدرت نرمی برخوردار است که در طول تاریخ چهارده قرنه اش هر مهاجم و غالبی را بلعیده و ذوب کرده است، و در هر جا حضور پیدا کرده است، به استثنای اندلس، در آنجا ریشه دوانده و هویت ملتها را دگرگون ساخته است. و اگر مهاجمین قسبی القلب یا قدرتمندی مثل مغولها و ترکها وارد عرصه اش گشته اند بعد از مدت کمی در فرهنگش ذوب شده و مبلغ و مجری اش شده اند. پس واقعا می طلبد اندیشمندان تمدن غربی برای سرکوب و شکست این « قدرت نرم » استراتژی محکمی پی ببرند.

تقویت « قدرت نرم » در مظاهر ۱- فرهنگ ۲- ایدئولوژی ۳- سیاست ۴- هنر ۵- علم عملی می شود. چنانکه در بالا اشاره کردم این پدیده نه تنها در میدان جنگ تمدنها مطرح و بحث آفرین است بلکه در تعامل و ارتباط ملتها نیز، بحثی مهم و سرنوشت ساز است. قدرت نرم نه فقط در ارتباطات خصمانه و رقابتی بلکه در روابط مسالمت آمیز ملتها نیز تاثیر گذار است یعنی در روابط اقتصادی، تجاری، علمی، توریستی، و... اگر یکی از طرفین در کنار تواناییهای سخت افزاری لازم در موارد فوق از تواناییهای نرم لازم برخوردار نباشد گرفتاری و مشکلات بسیاری برایش پیش خواهد آمد. اروپاییها علیرغم تواناییهای اقتصادی و تجاری که دارند در تعاملاتشان با آمریکا به دلیل عدم توازن در قدرت نرم مسئله دار شده اند، و اندیشمندان برای نسلهای آینده اظهار نگرانی می کنند. ژاپنیا این مسئله را قبل از اروپاییها درک کردند و بر رشد و تقویت قدرت نرم خود بسیار تاکید کردند.

در واقع جنگ اعلام نشده ای در میدان « قدرت نرم » بین ملتها و حوزه های تمدنی به راه افتاده است که شکست خورندگان این نبرد به مستعمره و زیر سلطه تبدیل نخواهند شد بلکه نابود خواهند گردید.

تکرار می کنم قدرت نرم در پنج بُعد نمود پیدا میکند: ۱- فرهنگ ۲- ایدئولوژی ۳- سیاست ۴- هنر ۵- علم. همین آقای ژوزف نای در چهار چوب قدرت نرم به اهمیت فیلمهای هالیوودی با هدف گسترش نفوذ ایدئولوژیک الگوی آمریکایی تاکید می کند، آقای « کراسنر » از رقابت امواج تلویزیونی

و قبضه کردن فرکانسهای ماهواره ای سخن می گوید، عده ای دیگر بر تبلیغ و تقویت عرصه هنری نظیر موسیقی پاپ، فیلمهای سینمایی و انیمیشنی، تئاتر، مجسمه سازی و نقاشی تاکید می کنند و برخی دیگر به تقویت قدرت نرم در قالبهای ورزشی و ادبی اشاره می کنند. آیا ما کردها در این دوران تازه و مرحله نو از حیات بشریت در اندیشه ایجاد و تقویت تواناییهای نرم خود هستیم؟ ما که در طول تاریخ چند هزار ساله خود در نبرد سخت قدرتها سرفرازانه مانديم و تا حال به حیات ملی خود ادامه داده ایم آیا به « هستی کردی » در این دوران اندیشیده ایم؟ هستی که تنها در سایه «قدرت نرم» قابل حفظ است.

اولین ملتی که در حوزه تمدن اسلامی به اهمیت قدرت نرم پی برد اعراب بودند. اندیشمندان آنها با تاسیس و راه اندازی مراکز انتشاراتی عمده در سطح کتاب و رسانه های گروهی از یک طرف و راه اندازی شبکه های تلویزیونی ماهواره ای مثل الجزیره و العربیه و المستقله و تاسیس مراکز استراتژیک فکری و تحقیقاتی غیر دولتی در پایتختهای عربی و شهرهای اروپایی و آمریکایی در حال تقویت قدرت نرم خود هستند، مثلاً شبکه المستقله توسط یک روشنفکر تونسسی در بریتانیا بنیانگذاری شد و مانند الجزیره فقط به پخش اخبار و تحلیل و مباحث استراتژیک در سیاست و تاریخ و جامعه شناسی و فلسفه می پردازد. شبکه الجزیره توسط کارمندان سابق (BBC) راه اندازی شد، کارمندانی که دغدغه آینده ملت عرب را داشتند، و اکنون با قدرت خبررسانی و تحلیلی اش در حال مبارزه نرم با شبکه های CNN و BBC و حوزه تمدن غرب و ملتهای هم جوار اعم از کرد و فارس و یهود و... است. روزنامه ها و نشریات بین المللی مثل شرق الاوسط و القدس العربی و الاهرام و الحیات و انتشاراتیهای جهانی مثل دارالفکر و دارالحديث و دارالحکمه نیز از ابزارهای قدرتمند دیگر اعراب در عرصه قدرت نرم هستند. حتی روشنفکران لائیک آنها دارند از اسلام در راستای تقویت قدرت نرم ملت عرب استفاده ابزاری می کنند. بعد از آنها ترکها با تکیه بر ایدئولوژی پان ترکسیم و آتاتورکسیم و همکاری ترکهای آسیای میانه و همفکری اعلام نشده با یهودیها و راه اندازی دهها کانال صوتی و تصویری ماهواره ای در اندیشه آینده نرم ملت خود هستند.

اما متأسفانه ما کردها، در این میدان مضاعف، از یک طرف در مقابل قدرتهای نرم فرا منطقه ای غربی خصوصاً آمریکا، و از طرف دیگر در مقابل قدرتهای نرم منطقه ای خصوصاً اعراب بسیار ضعیف و ناتوان بوده و کسی هم در اندیشه درک این مهم نیست. دو یا سه شبکه ماهواره ای هم که با استفاده از ثروتها و درآمدهای ملی راه اندازی شده اند نه تنها این میدان را درک نکرده و در اندیشه بازسازی و تقویت قدرت نرم کردها نیستند بلکه با برنامه های ضد هویتی شان خود به ابزاری جهت تقویت قدرت نرم رقبا تبدیل شده اند و تیشه به ریشه اندک توانایی نرم ملی می زنند. عده ای صاحب قدرت و سرمایه، به جای اینکه روشنفکران و اهل قلم را تشویق به استقلال اندیشی و انتقاد نویسی کنند، با لطایف الحیل، برنامه خرید قلم و در راستا نویسی را بر روی آنها اجرا می کنند.

تعدادی از نشریات و مجلات و کتابها هم دست کمی از رسانه های تصویری ندارند. نقد و بررسی این موضوع بسیارتر از بسیار مهم به مباحث و جلسات و نشستهای متعددی نیاز دارد و صد البته به جرات نیز. آیا فرد یا افرادی پیدا خواهند شد از این آشفته بازار روشنفکری و بذل و بخشش اندیشه و قلم، خود را برهانند و ریسک بحث و بررسی و نقد این پدیده را به عهده بگيرند؟

آنچه واقعیت دارد و از پذیرش آن گریزی نیست این است که مظاهر فرهنگی و ایدئولوژیکی و سیاسی و هنری و علمی ما بسیار کم رنگ شده است. و در تمام این مظاهر تقلید و دنباله روی در حال پیشرفت است، تا جاییکه پیش بینی می شود در آینده نه چندان دور در میان ما کردها نسلهای پیدا خواهند شد که از هر چه فرهنگ و هنر و ایدئولوژی کردی باشد مشمئز شوند و تنها فرهنگ و هنر قابل قبول را متعلق به « دیگران » بدانند و به تقلید کامل از آنها بپردازد و به دنبال آن از نام کرد و کردستان فقط به عنوان اسطوره و تاریخ یاد کند.

از نظر سیاسی و علمی نیز مظاهر قدرت نرم ما بسیار ضعیف است، از اینکه بیشتر جوانان ما به جای درک اهمیت مسایل علمی در دنیای امروز گرفتار روزمرگی گشته و انگارنه انگار که

هستي آنها متعلق به نژادي است که بر اقيانوس متلاطم هستي ملل در حرکت است، جاي تاسف دارد، اما دردناک اين است که قدرت نرم ما در اثر تحزب، تقلید، منافع زودگذر فردي و جمعي، قدرت مداري، کم آگاهي و احساسات مستهلك مي شود. امیدوارم چنین نباشد و در آینده اي نه چندان دور از طرح استراتژي قدرت نرم به اين گونه پشيمان شوم و با خوشحالي و سرور بگويم: خانمها و آقایان ببخشيد اشتباه کرده بودم. اما دردمندانه مي گويم در صورتي که اندیشمندان و سیاستمداران و رهبران و صاحبان سرمايه ما به اهميت قدرت نرم پي نبرند و تحليل درست از آن نداشته باشند و در اين مورد توانايي و صداقت و فداکاري از خود بروز ندهند، و از منافع شخصي و گروهی در راستاي منافع ملي و شناخت و تقويت « قدرت نرم » نگذرند در آینده عده اي خواهند گفت : فلاني راست مي گفت . حيف دير فهميديم.

منابع:

- ۱- استعمار پسا مدرن : مقالاتي از سوزان جرج والدن - والدن بلد- ژرژ بلاست - مايکل چسو دوفسكي
- ۲- نئولبراليسم و نظم جهاني - بهره کشي از مردم - : نوام چامسكي
- ۳- مقالات و کتابهاي فاروق رفيق
- ۴- خاطرات دکتر کيسينجر وزير امور خارجه اسبق آمريکا